

«یک نفس نا نگاهت» منتشر شد

رمان «یک نفس نا نگاهت» نوشته مریم‌ولی، اثر تازه منتشر شده انتشارات کتاب نیستان است. مضمون این کتاب، زندگی امام حسن عسکری^(ع) و تلاش شیعیان برای اجرای رهنمودهای ایشان وسیعی در تقرب به امام معصوم و درک حضرتش است. داستان با محوریت جوانی به نام هامون و در ایران و شهرری آغاز می شود.

هامون پسر عطار مشهور ری است که امین امام حسن عسکری^(ع) و هماهنگ کننده نمایندگان و امینان او در شهرهای مختلف ایران به شمار می رود.

هامون به واسطه پدر با زندگی مخفیانه شیعیان امام زمانه خودآشنایی شود و شرح دلدادگی پدر به امام و نوع مواجهه او با ایشان و فرامی نشان رافرامی گیرد. روزگار اما در نهایت او را راهی سامرا و کاخ خلیفه می کند تا به زعم خود بتواند به امام نزدیک تر باشد. فرجام او اما زندان و در نهایت وصال با امام و خاندانش و... است.

«یک نفس نا نگاهت» مانعی با گونه نگارشی تاریخی مذهبی است.

رمانی پر تعلیق و آکنده از صحنه‌های گریز و فرار و نیز شرح زندگی و زیست مخفیانه شیعیان امام یازدهم در میان عمال خلیفه وقت. جوانی قهرمان داستان یعنی هامون در کنار جسارت هایش که در قالب موجودیت ذهنی و روانی او روایت می شود، به شیرینی داستان افزوده است.

موبی دیک به روایت دریفوس

کتاب «مرا اسماعیل صدا کن» بازنگری و شرح درخشان «هیوبرت دریفوس» بر رمان بی‌بدیل هرمان ملویل است که با مذاقه ای بی نظیر، همه روایت های اسماعیل را در دل جهان فلسفی نویسنده شهیر آمریکایی واکاوی می کند.

دریفوس ماجرای رمان را به دل نیای عهد عتیقی اش برده است و در لایه های مختلف داستان کنکاش می کند و پیش می رود، پیش رفتنی که علاوه بر یک تفسیر تاریخی، فلسفی و زیبایی شناختی، اهمیت بسیار کتاب موبی دیک و کار بزرگ او در تاریخ ادبیات را نیز به ما یادآوری می کند.

اسماعیل بر دبار حلیم، نزد هرمان ملویل، نویسنده بزرگ آمریکایی، به راوی چگونگی مواجهه با بنیان های بدی و نیکی بدل شده. گویی خود ملویل است که ترجیح می دهد «اسماعیل» باشد!

اسماعیل رمان موبی دیک، سرنوشتی دیگرگون از اسماعیل کتاب مقدس دارد؛ اگر اسماعیل بابیلون همراه با مادر از درگاه پیدر رانده شد، اسماعیل کتاب عظیم ملویل، همراه کاپیتان اهب است که دیوانه وار و توقف ناپذیر فقط می خواهد به نهنگ سفیدش برسد و در این راه به هیچ اصل انسانی و اخلاقی نیز پایبند نیست.

اسماعیل در هر دو روایت،

در مسیر تفسیر، نظاره گر خود خواهی و استبداد است و توانی برای مقابله و تغییر ندارد. اسماعیل را زواره روایات کهن عهد عتیقی است و جز حکمت خداوندی، هیچ نمی دانیم که چرا تقدیر او در سرگشتگی و جست و جوی مدام، این گونه رقم خورده است.

زین قدیر

علیرضا حیدری/مدرس ویراستاری

- گاهی در اوم گیری واژه های تا ترکیب های یک زبان دیگر و ترجمه آن به زبان مقصد، نوعی گرتة برداری (گرده برداری) معنایی و نحوی انجام می شود.

در گرتة برداری معنایی گاهی این واژه ها، تعابیر و ترکیب ها بدون توجه به معناهای متعددی که ممکن است آن واژه داشته باشد؛ مترجم فقط یک معنا را برمی گزیند و از معانی دیگر غافل می شود.

نمونه ای که بیشتر کار برد دارد و همیشه مثال می زنند «conditions» است.

این واژه هم به معنی «اوضاع» است و هم «شرایط» ولی معمولاً ترجمه «اوضاع» فراموش می شود.

در این شرایط زندگی سخت است.✖

در این اوضاع زندگی سخت است.✔

#زین_قدیر_پارسی

شهر

فشارشبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۹ ۱۲ محرم ۱۳۹۹ شماره ۲۳۳۱

SHAHRAANEWS.IR



فرهنگ و ادبیات

باید از قالب‌های کهنه دوری کنیم

گپ‌وگفتی با بیژن شهرامی درباره کتاب «قصه‌های روضه»اش و تمایل این روزهای دنیای ادبیات به روایت‌های عاشورایی

«رستخیز»، «زان تشنگان و» رهیده، به بازار عرضه شد و باز خورد مثبتی را از سوی مخاطب دریافت کرد گواه همین پسند جمعی است. البته مصادیق بیشتر از این هاست. «قصه‌های روضه، که مجموعه حکایاتی از اصحاب و مجالس روضه خوانی است و حدود شش سال پیش به قلم بیژن شهرامی وارد بازار نشر شد، نمونه دیگری است که او در این مجال برایمان می گوید چطور شد دست به جمع آوری و روایت کردن این حکایت‌ها زد. آن هم با یک زبان ساده و بدون تکلف.

از زندگی آیت... العظمی بر جردی... و... او در باره فراهم کردن این مجموعه آثار با عنوان «باغ آفتاب» می گوید: «علت گرایش من به نگارش مجموعه باغ آفتاب با همان داستان‌هایی از زندگی مراجع دینی، نکات ظریفی از حیات طیبه آن هاست که با برجسته کردن آن‌ها می توان به تلطیف جامعه کمک کرد. امروز نیازی به نوشتن کتاب‌هایی که در صدد بازگو کردن کرامات علما هستند نیست، چرا که اولویت با نکات کار بردی زندگانی آنان است و درس گرفتن و به کار بستن آن‌ها، از مردم داری گرفته تا کودک نوازی، ساده زیستی، صداقت، مهر بانی و... بیژن شهرامی که تحصیل کرده رشته آموزش و پرورش ابتدایی و پیش دستیانی است اکنون با مجلاتی چون کیهان بچه‌ها، سروش کودکان و چندین مجله دیگر همکاری دارد و بیشتر مطالبی که می نویسد نیز آیینی است تا به قول خودش: «به امید آن که سهمی ولونا چیز در تربیت دینی نسل نوا داشته باشم.»

فرهنگ و ادبیات

مناسک و بایسته‌های آن

(به عنوان یکی از بنیادترین و ویژگی‌های مناسک) را از مناسک گرفته و آن را به دستور العمل و فرایندی رسمی تبدیل می کند که طبیعتاً دیگر کار کرد و قدرت عمومی خویش را نخواهد داشت. مناسکی که می تواند همه گروه‌ها را حتی با باورهای گوناگون کنار هم گردآورد، حاصل نزدیکی و تعامل درونی مردم با یکدیگر بر مدار ارزش‌های مشترک نهفته در مناسک است. نگاه‌های دستوری و مداخله نهادهای رسمی در این امر شاید شکوه ظاهری مناسک را افزایش دهد ولی کارکرد درونی آن‌ها را با آسیب روبه‌رو می کند.

پس چگونه کار گزاران باید از قدرت مناسک بهره ببرند؟ آشکار است این مناسک درون نظام اجتماعی شکل می گیرند. از این رو زمینه‌سازی فضا‌های اجتماعی و بسترهای لازم برای شکل گرفتن و رواج مناسک می تواند زمینه‌گسترش آن‌ها را فراهم آورد. دولت‌ها باید بستر بایسته برای رواج مناسک را آماده کنند و موانع موجود در پویایی و گسترش آن‌ها را برطرف کنند. به طور خلاصه، کار گزار و حاکمیت باید به جای مداخله مستقیم در پربایی مناسک و حذف جنبه مردمی آن، همچون ناظری نامحسوس روند و زمینه‌سازی شکل گیری مناسک را کنترل کند.

خستگی /او کارگر بود ویر دست این مجموعه از دایره‌واژگانی گسترده‌ای برخوردار است. در این اشعار، من شخصی جواد کلیدری تبدیل به یک من اجتماعی شده است. کلیدری در استفاده‌او ازگان هیچ محدودیتی برای خود قائل نیست، مهم نیست که کلمه ای شاعرانه است یا نه، مهم این است که شاعر با هنرمندی می تواند زیست شاعرانه اش را با مخاطب به اشتراک بگذارد و حرفی که بر گرده جامعه سنگینی می کند بیان کند. ساده نیست مهربان بودن یا لبه نیز چاقو/ با عقر به هایی که ایستاده اند روی ساعت رنج/ با تاز یانه و طناب / سهل نیست/ شنیدن خبر تلخ کلیدری همچنان که در غزل هایش هموار حرفی برای گفتن دارد و هیچ گاه مخاطب خاص شعر هایش را نا امید نمی کند، در شعرهای سپیدش و به ویژه در مجموعه «نیم رخ تابستان» به اهالی ادبیات و شعر دوستان ثابت می کند که راه را درست آمده است و کمال یختگی یک اثر هنری در بی سال‌ها مداومت، تعمق و مطالعه آثار بزرگان حاصل می شود.

فرهنگ و ادبیات

خودش را دارد در همه حوزه هانشان می دهد و در نهایت، مستند نویسی و روایت نویسی ثابت کرد می تواند دوا ابزار خیلی خوب برای رسیدن به این مقصود باشد. ابزار و مقصودی که حتی برای حوزه های آیینی و تاریخی که شاید در وهله اول انتخاب مناسبی برای این مینیمال گویی هان باشد (به سبب وسواس و دقت نظری که می طلبد روی آن انجام شود) باز هم مؤثر واقع شد. سلسله کتاب های نشر اطرف، با تمرکز روی روایت های شخصی افراد در باره عاشورا و محرم که در چند جلد با عناوین «کاشوب»،

اختیار دوستان را در روشنی و جویندگان راستی قرار داد.، شهرامی همچنین به این نکته اشاره می کند: «روزگاری خواندن رمان های سنگین و مفصل نشان روشنفکری بود و با کم شدن حوصله ها عرصه برای جلوه گیری داستان کوتاه و داستانک فراهم شد و این به معنای آن بود که نویسندگان و شاعران آیینی هم باید از قالب های نویهره بیرند و بردند.»

- هدف آموختن است و به کار بستن

شهرامی سابقه نگارش کتاب های دیگری را نیز با همین مضامین دینی و آیینی دارد. کتاب هایی که دقیقاً مثل «قصه های روضه، حکایت هایی کوتاه و مفید است با زبانی سهل و ساده که انتخاب مناسبی برای کودکان و نوجوانان است. آثاری مثل «آن که شب های مرا مهتاب داد: داستان هایی از زندگی امام خمینی^(ع)»، «آن مرد در باران آمد: داستان هایی از زندگی آیت... العظمی گلپایگانی»، «پنجره ای رو به دوست: داستان هایی

این مسائل را در کدام بستر بررسی می کنیم؛ یک برنامه گفت و گو محور یا یک مجری و یک مهمان که روانه آنتن تلویزیون می شود. یک استاد دانشگاه که می خواهد مفهومی را برای دانشجویانش توضیح بدهد یا یک کتاب. یک نگاه جمالی به بازار نشر در سال های اخیر و آنچه روانه و یتزین کتاب فروشی ها شده، به خوبی مشخص می کند تمایل مؤلف ها، نویسنده ها و مخاطب ها دارد به کدام سمت کشیده می شود، هر چه مختصر تر، صمیمی تر، آشناتر و با قابلیت همدات پنداری بیشتر، بهتر و این اختصار

به آن رهبر فرزانه و آزاده است. در نگارش این کتاب تجارب نوشتن کتاب های قبلی رفیق راهم بود و سخت مقید به کوتاه نوشتن هر حکایت بودم آن هم با زبانی ساده و بی تکلف.»

- نویسندگان و شاعران آیینی باید از قالب های

نویهره بیرند او در باره تمایل این روزهای مؤلفان و مخاطبان برای نوشتن و مطالعه چنین آثاری می گوید: «از دیر باز آثار مرتبط با حضرات معصومین^(ع)، خاصه سید و سالار شهیدان^(ع) مورد اقبال عمومی بوده و در روزگار کنونی هم که آثار موجز و گزیده بر طرف دار هستند، شاهد نگارش و چاپ آثاری این چنین هستیم.» شهرامی معتقد است: «اصول ادبیات فاخر دینی و آیینی با نگارش و سرایش آثاری روز آمد و مبتنی بر اصول نویسندگی و مخاطب شناسانه، گستره وسیعی را در امتداد نگاه خود قرار داده است که می تواند به لحاظ کمی و کیفی بیش از پیش اعتلایابد. قیام شهیدان کر بلا و حیات طیبه معصومین^(ع) مانند دریای ژرفی است که با تأمل در آن می توان گوهر های فراوان و بدیعی را به دست آورد و در قالب آثاری ماندگار در

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

نگاهی به سرگذشت تمدن هانشان می دهد که مناسک برآمده از رویکردهای دینی همواره در جهان مؤثر بوده است.
مروری بر مناسک گوناگون اسلامی و یا دیگر ادیان همچون مسیحیت و یهودیت، نشان می دهد که مناسک چه نفوذ و گستردگی ای در تاریخ انسانی دارند. مناسک افزون بر آنکه آموزه ها و باورهای دینی و اعتقادی را در زیست روزمره انسان جاری می کند، به طور غیر مستقیم بر تقویت ایمان عمومی جامعه نیز مؤثر واقع می شود.
در واقع مناسک دینی و آیینی قدرت مهمی در فضا سازی اجتماعی به عنوان یک مؤلفه زمینه ای در پویایی اجتماعی دارند. ارتقای هم افزایی و تولید هم بستگی پایدار اجتماعی یکی از کارکردهای برجسته مناسک است. به ویژه در جوامع چند فرهنگی و چند نژادی، چنانچه مناسک به درستی و در روش طبیعی خویش شکل گرفته و سامان یابند، می توانند از تعارضات و درگیری ها جلوگیری کرده و زمینه هم افزایی را فراهم آورند.
یکی از قدرتمندترین مناسک نه تنها تاریخ اسلام بلکه تاریخ ادیان و تمدن ها، مناسک برآمده از واقعه عاشورا است. ابعاد واقعه عاشورا از جنبه های اعتقادی گرفته تا ابعاد انسانی، حماسی

بنیادهای اعتقادی و ایدئولوژیک در طول تاریخ همواره مبنای شکل گیری نظام های اجتماعی بوده اند، به عبارت دیگر هیچ تمدنی شکل نگرفته است مگر آنکه در مدار و پیرگاره یک اندیشه مرکزی اعتقادی حرکت کرده باشد. نکته مهم آنجاست که باورهای دینی تنها زمانی در زیست اجتماعی نفوذ می یابند که به مناسک قدرت مند و پرنفوذی در میان همگان جامعه بدل شوند. هرگاه بتوان یک باور اعتقادی را در چارچوب مناسک در جامعه رواج داد، در واقع آن باور به گفتمان غالب و حاکم جامعه تبدیل شده و در همه شئون و رفتارهای زیستی ایشان اثر می گذارد. پس آشکار است که کار گزاران و گردانندگان جوامع برای آنکه بتوانند پنداره اعتقادی خویش را به باور همگانی جامعه تبدیل کنند باید بتوانند از مناسک و همه ظرفیت های آن بهره برند. مناسک به دلیل شیوه شکل گیری و گستردگی و توان تاریخی خود، همواره ای توانایی شگرفی بر خود را بوده و هستند. این توانایی تاب دادن جاست که هر قدر بن مایه معنایی این مناسک ژرف تر و بنیادین تر باشد، می توان انتظار داشت که به تقویت مدنی جامعه و در نتیجه حرکت تمدنی و روبه جلوان جامعه کمک کند.

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات

فرهنگ و ادبیات